

## تأثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان

فرشته رضائی رمی<sup>۱</sup>، لادن سلیمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد ساری (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد ساری

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تأثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان است. این تحقیق از نوع توصیفی و آمیخته است. روش اجرای این پژوهش بدین گونه بوده است که برای جمع آوری این اطلاعات، پایگاه های اطلاعاتی، نورمگز، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار ساینس، کراس راف، پاپمد، مگیران، اس آی دی، اسپینگر، مجلات و فصلنامه مطالعات برنامه درسی، نشریات و فصلنامه های علمی پژوهشی با کلید واژه های یادگیری مشارکتی، مهارت های اجتماعی، یادگیری دانش آموزان و ترکیبی از آن ها مورد جستجو قرار گرفت. مطالعاتی که تأثیر یادگیری مشارکتی را بر مهارت های اجتماعی مورد بررسی قرار داده بودند، با روش نمونه گیری هدفمند از میان ۳۸ مقاله مورد بررسی شده که جامعه آماری را تشکیل می دهند، نمونه آماری شامل ۱۳ مقاله مرتبط با موضوع درباره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ شامل مقالات ایرانی و مقالات خارجی در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. سپس با توجه به کارکردهای یادگیری مشارکتی، مطالب مرتبط در زمینه مفهوم یادگیری مشارکتی و مهارت های اجتماعی، نظریه های یادگیری مشارکتی، از مقاله های مرتبط استخراج و در قالب ساختاری تنظیم شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که: دانش آموزان می توانند مفاهیم پیچیده را از طریق یادگیری مشارکتی به سادگی یاد بگیرند. در کلاس حس همکاری بیشتری داشته باشند، از طریق بحث و گفتگوهای سازنده و رو در رو، مشارکت خلاقانه تری داشته باشند. افزایش شور و نشاط و باور دانش آموزان، آن ها را اجتماعی می کند و از طریق رابطه با یکدیگر جامعه پذیرتر می شوند. انتظار می رود این پژوهش با نشان دادن اهمیت موضوع و ضرورت استفاده از یادگیری مشارکتی در مراکز آموزشی، زمینه ساز پژوهش های بیشتری در این مهم باشد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مشارکتی، مهارت های اجتماعی، دانش آموزان

## ۱. مقدمه

یکی از اهداف اصلی مراکز آموزش و پرورش توسعه سالم مهارت های اجتماعی کودکان، به ویژه درسین پابین است. کودکان و نوجوانان از طریق کسب مهارت های اجتماعی، نظیر همکاری، سازش، ارتباط و دوست یابی، به درون گروه هم سالان خود راه می یابند و پایه اساس زندگی اجتماعی را تشکیل می دهند (استوارت، ۲۰۱۴). منظور از مهارت اجتماعی آن دسته از رفتارهایی که این توانایی را در فرد ایجاد می کند تا با دیگران رابطه اثربخشی داشته باشد. یادگیری رفتارهایی چون همکاری، مشارکت، کمک کردن کمک خواستن، توانایی آغاز رابطه، تمجید، ستایش و قدردانی و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران فرصت هایی را فراهم می آورد تا کودکان نوجوانان در جریان رشد بتوانند استعدادها توانایی های ذاتی خود را از حالت بالقوه بالفعل سازند. کودکان و نوجوانان از طریق کسب مهارت های اجتماعی، هنجارها، انگیزه ها، نگرش ها و رفتارهای لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و حفظ روابط بین فردی را فرامی گیرند. مدارس به عنوان مهم ترین پایگاه آموزشی نقش بسزایی در پرورش این مهارت ها در دانش آموزان دارند (درانی و ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۷). یکی از روش هایی که با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده، اثربخشی خود را در تکامل همه جانبه فراگیران نشان داده، روش یادگیری مشارکتی است. یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین یاددهی و یادگیری است که در برخی نظام های آموزشی دنیا به عنوان جایگزینی برای پایان دادن به حاکمیت روش های سنتی شناخته شده است. در این روش، دانش آموزان به صورت گروهی در انجام وظایف مشترک کار می کنند و از این راه، کار خود را اثربخش می کنند. گروه ها معمولاً ۳ یا ۵ نفره هستند و از رفتارهای اجتماعی و مشارکتی برای اجرای وظایف مشترک یا فعالیت های یادگیری استفاده می کنند، فراگیران به طور مثبت به هم وابسته اند و علاوه بر جنبه اجتماعی به طور انفرادی مسئول یا پاسخگوی کار خود هستند (عباسی اصل و همکاران، ۲۰۱۶). در نظام آموزشی ایران، معلمان با تکیه بر روش های سنتی به ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می کنند و علی رغم این که در محافل علمی، تربیتی و حتی اجرایی، صحبت از فعال بودن شاگردان، رشد فکری و آزاداندیشی می شود، اما به واقع، چنین نظرگاه هایی جنبه شعارگونه به خود گرفته و در مقام عمل، نه تنها گام مؤثری در این راستا برداشته نمی شود، بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به نوعی رقابت تبدیل شده که نتیجه آن افزایش حس حسادت، کینه توزی و دشمنی در بین دانش آموزان است و این سبک غالب در اکثر آموزش های کلاسی سنتی است؛ به این معنا که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیت های چالش آور مواجه می شوند، فرصت های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان با یکدیگر فراهم می شود، دانش آموزان به یادگیری طوطی وار ترغیب می شوند، رقابت جایگزین همکاری می شود و احتمال خطر جمع گرایی در بین شاگردان افزایش می یابد (جعفری ثانی و همکاران، ۲۰۱۶).

یادگیری مشارکتی یک رویکرد آموزشی به یاددهی و یادگیری است که گروه های یادگیرندگان را در کار با یکدیگر، برای حل یک مسئله، تکمیل یک وظیفه، یا تولید یک محصول درگیر می کند. یادگیری مشارکتی براین عقیده استوار است که یادگیری ذاتاً یک عمل اجتماعی است که شرکت کنندگان در آن با یکدیگر صحبت می کنند و از طریق صحبت کردن یادگیری اتفاق می افتد (اسرینیواس، ۲۰۱۰). یادگیری مشارکتی به روشی گفته می شود که در آن یادگیرندگان در گروه های کوچک با هم کار می کنند. برای دستاوردهای جمعی شان مورد تقویت قرار می گیرند. ویژگی مهم این روش آن است که در آن اعضای گروه با هم کار می کنند تا به هدف مشترکی برسند که هم کل گروه و هم فرد از آن سود می برند (سیف، ۲۰۱۴). به نظر جانسون و همکاران یادگیری مشارکتی به روشی خاص محدود نمی شود بلکه فراگیران بنا بر موقعیت و فلسفه خود شکلی از آن را بکار می گیرند (فتحی آذر و همکاران، ۱۳۹۳). در این شیوه آموزشی یادگیرندگان، تکالیف خود را طراحی و بررسی می کنند و از فرایندهای تفکر خود آگاهی دارند و از راهبردهای شناختی برای کسب اهدافشان بهره می جویند (کدیور، ۱۳۹۷).

افزایش پیشرفت تحصیلی، رشد مهارت های اجتماعی، تقویت مهارت رهبری و روحیه همکاری، اصلاح برخوردهای اجتماعی و ایجاد رابطه مثبت در گروه و نگرش مثبت به مدرسه از جمله نتایج مثبت به یادگیری روش های مشارکتی

می باشد (کرامتی، ۱۳۸۶). یکی از بهترین مکان هایی که دانش آموزان می توانند مهارت اجتماعی را کسب کنند مدرسه است. بسیاری از مشکلات نوجوانان ناشی از فقدان رشد مهارت های اجتماعی است. مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری آن قدر مهم است که بعضی از متخصصین تعلیم و تربیت، میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیت های یادگیری را به عنوان ملاکی برای ارزیابی معلمین مطرح نموده اند. پیشرفت علم و گسترش دامنه ی علوم مختلف ضرورت کسب معلومات بیشتر و با دوام تر در زمان کوتاه تر را اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین یکی از وظایف متخصصین تعلیم و تربیت شناسایی شیوه های مناسب جهت یادگیری سریع تر و بهتر دانش آموزان و استفاده بهینه یادگیرندگان از زمان محدود آموزش می باشد. همچنین یادگیرندگان علاوه بر یادگیری مطالب و معلوماتی که به صورت رسمی به آنها تدریس می شود، ضرورت دارد که در محیط مدرسه به یادگیری شیوه های برقراری ارتباط با دیگران و ادراک دیدگاه های آنها بپردازند. با توجه به مطالب فوق و اهمیت یادگیری مشارکتی ضروری است توجه خاصی به این بعد از یادگیری صورت بگیرد. هدف مطالعه حاضر، مروری بر تأثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان است.

## ۲. روش تحقیق

برای جمع آوری این اطلاعات از پایگاه اطلاعاتی، نورمگز، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار ساینس، کراس راف، پاپ مد، اسپینگر، مگیران، اس آی دی، مجلات و فصلنامه مطالعات برنامه درسی، نشریات و فصلنامه های علمی پژوهشی با کلیدواژه های یادگیری مشارکتی، مهارت های اجتماعی، یادگیری دانش آموزان و ترکیبی از آنها در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ شامل مقالات ایرانی و ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ شامل مقالات خارجی مورد جستجو قرار گرفتند. سپس با توجه به کارکردهای یادگیری مشارکتی، مطالب مرتبط در زمینه مفهوم یادگیری مشارکتی و مهارت های اجتماعی، نظریه های یادگیری مشارکتی، شیوه های پدیدآورنده یادگیری مشارکتی در دانش آموزان از مقاله های مرتبط استخراج و در قالب ساختاری تنظیم شد. نکته قابل ذکر این که به با توجه به عنوان، چکیده مقالات و با در نظر گرفتن معیارهای پژوهش مروری پس از کنار گذاشتن مقالات تکراری و غیر مرتبط، ۳۸ مقاله برای مطالعه متن انتخاب شدند که از بین آنها با روش نمونه گیری هدفمند، در نهایت از ۱۳ مقاله مناسب تر و مرتبط تر استفاده شده است.

## ۳. تاریخچه یادگیری مشارکتی

الگوی یادگیری مشارکتی در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی مورد استفاده کلاس های مدارس شهر آستین تگزاس در ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. دیر و راجرز جانسون با تأکید بر گرهمایی گروه های کوچک دانش آموزان، اجزای اصلی این راهبرد یاددهی یادگیری را معرفی کردند. الگوی این دو پژوهشگر حاوی پنج عنصر برای موفقیت یادگیری مشارکتی بود. این موارد شامل تعامل چهره به چهره، روابط مثبت میان اعضا، مسئولیت پذیری فردی، مهارت های اجتماعی مشارکتی و پیامدهای گروهی بود (سپهریان آذر، ۲۰۱۶). یادگیری مشارکتی یکی از شیوه های یادگیری است که مستلزم مشارکت فعال و مستقیم دانش آموزان است. همانند کوهنوردان، دانش آموزان زمانی به قله می رسند که جزئی از تیم مشارکتی باشند. یادگیری مشارکتی تا سال ۱۹۶۰ نا شناخته بود. در این زمان با آن که یادگیری رقابتی بر تفکرات تربیتی غلبه داشت، اما یادگیری انفرادی تا حد زیادی مبتنی بر کارهای اسکینر درباره ی یادگیری برنامه ای و تغییرات رفتاری بود، آن را به چالش کشید. به هر حال امروزه عملکردها و افکار تربیتی تغییر یافته اند و اکنون یادگیری مشارکتی یک روش تربیتی مقبول محسوب می شود و در مدارس و دانشگاه های جهان در زمینه ی موضوعات گوناگون و در همه ی گروه های سنی استفاده شده است (کرامتی، ۱۳۸۸؛ به نقل از گل محمدنژاد بهرامی، ۱۳۹۷).

روش یادگیری مشارکتی هم پشتوانه های محکم نظری دارد و هم از حمایت های دقیق تجربی برخوردار است. یادگیری مشارکتی هم چنین از نظریه یادگیری و الگوهای یادگیری اجتماعی نشأت می گیرد. این روش مورد حمایت رفتارگرایان و صاحب نظران یادگیری است. از دیدگاه رفتارگرایان تلاش برای بهبود عملکرد گروه از موارد مثبت این روش

می باشد و از دیدگاه نظریه شناختی - اجتماعی بندورا وقتی که کودکان کاری را که دوستان خود انجام می دهند مشاهده می کنند، بهتر یاد می گیرند. وقتی در گروه در کنار هم موفقیت را مشاهده می کنند؛ علاقه آنان به یادگیری بیشتر می گردد. همچنین از دیدگاه ویگوتسکی نیز می توان استدلال کرد که، وقتی کودکی از انجام تکلیف باز می ماند با راهنمایی دوستان معلم خود مطالب را بهتر یاد می گیرد یادگیری او به طور کامل صورت می گیرد (سیف، ۲۰۱۳). یادگیری مشارکتی رویکرد آموزشی مناسبی برای استفاده از مسئله گشایی و تفکر و تحقیق با توجه به برنامه، اهداف و امکانات در اختیار می گذارد. یادگیری مشارکتی برای آموزش همکاری بوده و دانش آموزان نقش اساسی در یادگیری دارند. معلم هم به عنوان راهنما و هدایت کننده عمل می کند و شرایط یادگیری را فراهم می کند. در این نوع یادگیری، دانش آموزان به گفتگو، جستجو، تفکر و آموزش یکدیگر می پردازند. با توجه به شرایط جامعه کنونی و پیشرفت سریع علم و تکنولوژی دانش آموزان باید با روش های تدریس نوین پرورش یابند تا بتوانند خود را با شرایط کنونی جامعه هماهنگ کنند. به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت، دانش آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می پردازند نه تنها بهتر یاد می گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می برند. زیرا آنها به جای این که شنونده صرف باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت کرده و خود را مسئول یادگیری خویش می دانند (محمدزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

#### ۴. مفهوم یادگیری مشارکتی و مهارت های اجتماعی

##### ۴.۱. یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی در چند دهه اخیر به عنوان رویکرد یادگیری مؤثر در آموزش کلاسی مطرح می باشد (فتحی آذر و همکاران، ۱۳۹۳). یادگیری مشارکتی عبارت است از استفاده از گروه های کوچک ناهمگون به گونه ای که دانش آموزان بتوانند با هم کار کنند و یادگیری خود و سایرین را به حداکثر برسانند (کرامتی، ۱۳۹۶). در روش مشارکتی دانش آموزان به طور مؤثری با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و از یک سری مهارت های اجتماعی بهره مند می شوند تا عملکرد موفقیت آمیزی داشته باشند (هنری، ۲۰۰۵). اسلاوین (۱۹۹۱) اذعان دارد این روش را متأثر از نظریه تحولی شناختی ویگوتسکی است و چهار اصل اساسی که از عقاید وی بدست آمده اند، نقش مهمی در این شیوه از آموزش ایفا کرده اند. اصل اول تأکید بر ماهیت اجتماعی یادگیری است که بر طبق آن کودکان از طریق تعامل با بزرگسالان و همسالان متبحرتر یاد می گیرند.

اصل دوم منطقه مجاور در تحول است. منطقه مجاور تحول، فاصله میان توان مستقل کودک در حل مسئله، با توان حل مسئله تحت هدایت یک بزرگسال یا همکاری با کودکی توانمندتر از خود وی است. اصل سوم کارآموزی شناختی است؛ یعنی فرد از طریق تعامل با یک فرد ماهر بتدریج مهارت کسب می کند و اصل چهارم یادگیری با واسطه است؛ یعنی به دانش آموزان تکالیف پیچیده، دشوار و واقع بینانه داده می شود و بعد به آن ها کمک می شود که این تکالیف را انجام دهند (به نقل از امانی ساری بگلو و همکاران، ۱۳۹۷). یادگیری مشارکتی فرصتی است برای رشد مهارت های اجتماعی که به دانش آموزان امکان می دهد تا با گروه وسیعی از افراد کلاس یا در خارج کلاس، به راحتی کار یا مطالعه کنند. مهارت های گروهی پایه مانند گوش کردن به حرف دیگران، آرام صحبت کردن، همراه گروه ماندن تا زمانی که کار تمام می شود و مهارت هایی مانند رعایت نوبت دیگران، بیان نظرات، تشویق دیگران به مشارکت، کمک خواستن به هنگام نیاز و ... از جمله مهارت های اجتماعی است که در گروه شکل می گیرد. به عبارت دیگر گروه فرصت ابراز شخصیت را برای فرد فراهم می سازد و جایی است که فرد در آن گذشت، تحمل، فداکاری، اطاعت، همکاری و شجاعت و ... را می آموزد و به تناسب ذوق و استعداد خود، مسئولیت قبول می کند (حسینی و همکاران).

مطالعه آنویوبازی نیز نشان داد دانش آموزانی که در گروه های یادگیری مشارکتی به یادگیری می پردازند، نسبت به کسانی که به طور انفرادی یاد می گیرند، پیشرفت تحصیلی و احساس مسئولیت بیشتری دارند و نسبت به مدرسه نگرش مثبتی پیدا می کنند و به نظر فضلی خوانی منفعل بودن شاگردان را می توان با استفاده از روش های آموزشی مؤثر کاهش

داد.

یافته های پژوهش او نشان داد که یادگیری مشارکتی در تحریک شاگردان برای بحث و گفتگو پیرامون مسائل ریاضی نقش مهمی را ایفا می کند، البته به شرط این که هنگام اجرای این روش معلم از آمادگی لازم برخوردار باشد و بتواند کیفیت تعاملات دانش آموزان با یکدیگر را بهبود بخشد. در روش یادگیری مشارکتی، وابستگی بین فردی، تعامل افزایشی صورت به صورت و مسئولیت فردی وجود دارد و اعضا را موظف می کند که نسبت به یادگیری همدیگر حساس باشند و مراقب یادگیری یکدیگر باشند تا گروه بتواند موفق شود (طباطبایی و رضوی، ۱۳۹۹).

#### ۲.۴. مهارت های اجتماعی

مهارت های اجتماعی به مجموعه رفتارهای فراگرفته قابل قبولی گفته می شود که فرد را قادر می سازد تا با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از واکنش های نامعقول اجتماعی خودداری کند (الیتون و گرشام، ۲۰۰۵: ۲۸۷). این مهارت ها شامل طیف گسترده ای از رفتارها از قبیل توانایی شروع ارتباط مؤثر و مناسب با دیگران، ارائه پاسخ های مفید و شایسته، تمایل به رفتارهای سخاوتمندانه، همدلانه و یاریگرانه، پرهیز از تمسخر، قلدری و زورگویی به دیگران (متسون و همکاران، ۲۰۰۰: ۴۲۸) و مجموعه پیچیده ای از مهارت ها هم چون ارتباط، حل مسئله و تصمیم گیری، جرات ورزی، تعامل با همسالان و گروه و خود مدیریت را شامل می شود (لوانیس و افروسینی، ۲۰۰۸: ۴).

گرشام (۲۰۰۲) در بیان مراحل کسب مهارت های اجتماعی به الگودهی، آماده سازی و تمرین رفتاری اشاره می نماید. استفاده از رویکرد مشارکتی در تدریس می تواند در هر سه گام، نقش مؤثری داشته باشد. ارائه الگوی رفتاری مناسب و تمرین رفتاری جز در خلال تمرین های عملی که دانش آموزان فعالانه در آن به ایفای نقش می پردازند، میسر نیست. درگیر شدن دانش آموزان در فعالیت های کلاس منجر به درک جامع و عمیق ابعاد یک رفتار شده و امکان تمرین و تکرار آن را در محیط واقعی فراهم می سازد. هدف نهایی تمرین رفتاری که در قالب گروه های مشارکتی روی می دهد این است که کودکان نه تنها توانایی انجام دادن یک مهارت را داشته باشند، بلکه بتوانند آن چه را که کسب کرده اند در زندگی واقعی به کار ببرند. در غیر این صورت چگونه می توان به کودکان قوانین زندگی جمعی، رعایت آن قوانین، ارائه وظایف و نقش های گروهی، همکاری گروهی، همدلی و... را آموزش داد، در حالی که هیچ فرصتی جهت فعالیت در گروه و تشکیل، حفظ و توسعه گروه به آن ها داده نشود. بروز رفتارهای حسادت آمیز به دلیل عدم پذیرش خود، نا آگاهی نسبت به توانمندی های خود و توجه افراطی به توانایی دیگران، رخ می دهد. چنانچه اطرافیان کودک و به ویژه افراد مهم در زندگی کودک، جهت شناسایی توانمندی های او اقدام کرده و در جریان فعالیت های کودک، به این توانمندی ها اشاره کنند و موفقیت های او را متذکر شوند، به مرور می توانند مانعی جهت ایجاد رفتارهای حسادت آمیز فراهم سازند. کودکی که در گروه دوستی خود فرد مهمی است، بخشی از وظایف در گروه خود را بر عهده دارد و در جریان نیل به اهداف گروهی مهم قلمداد می شود، قطعاً پذیرش بیشتری نسبت به خود داشته و از توانمندی های دیگران با هدف رشد خود و گروه بهره می برد.

بخش مهم همیاری در یادگیری آموزش مهارت هایی است که برای مشارکت مؤثر افراد در فعالیت های گروهی لازم است. معلم باید مهارت های درون گروهی و مهارت های اجتماعی از قبیل ارتباط اعضاء با یکدیگر را مشخص کند. برخی از این مهارت ها عبارتند از: پیگیری وظایف و پا به پای گروه حرکت کردن، فهمیدن پاسخ های گروه و موافقت آگاهانه افراد با آن ها، احترام گذاشتن به نظریه های اعضای گروه، گوش دادن به فردی که در حال سخن گفتن در گروه است. آرام و ملایم حرف زدن در گروه، نقد و بررسی نظریه های ارائه شده به جای انتقاد از افراد اساتید باید این مهارت ها و نظایر آن را که برای پرورش رفتارهای اجتماعی دانشجویان ضروری است، به آنان آموزش دهند. مهارت های ارتباطی رفتارهایی است اکتسابی که از طریق مشاهده، مدل سازی، تمرین و بازخورد آموخته می شود و دارای ویژگی های زیر است، رفتارهای کلامی و غیر کلامی را در بر می گیرند و پاسخ های مناسب و مؤثر را در بردارند، بیشتر جنبه تعاملی داشته، تقویت های

اجتماعی را به حداکثر می‌رسانند و بر اساس ویژگی‌ها و محیطی که فرد در آن واقع شده است توسعه می‌یابند و از طریق آموزش رشد می‌کنند (مکلف سربند ۱۳۸۶؛ به نقل از رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱).

##### ۵. تکنیک‌های یادگیری مشارکتی

در خصوص تکنیک‌های یادگیری مشارکتی از طریق آموختن می‌توان گفت که در جمع‌بندی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه یادگیری مشارکتی، هشت شیوه یادگیری مشارکتی مطرح است که در تازه‌ترین پژوهش‌ها به کار گرفته شده و اثربخشی خود را در دستاوردها نشان داده و مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۱. گروه‌های پیشرفت تیمی دانش آموزان (STAD)
۲. روش مسابقه تیمی یا رقابت و مسابقه تیمی (TGT)
۳. یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم (TAT)
۴. قرائت و نگارش تلفیقی مشارکتی (CRT)
۵. تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (روش یادگیری مشارکتی جیگ ساو)
۶. تقسیم موضوع به بخش‌های مشترک (روش یادگیری مشارکتی جیگ ساو)
۷. روش آموختن باهم
۸. روش پژوهش گروهی (طباطبایی و رضوی، ۱۳۹۹).

یادگیری مشارکتی دارای روش‌های متنوعی می‌باشد. یکی از روش‌های مطرح در یادگیری مشارکتی، روش جیگساو است. این روش توسط اندرسون طراحی شده و در سالیان اخیر به دلیل اجتناب از مشکلات ایجاد شده در روش‌های دیگر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این روش دانش‌آموزان به گروه‌های غیرهمگون تقسیم می‌شوند و پس از آن به گروه‌های موجود در کلاس، موضوعی برای بررسی داده می‌شود. در گروه‌ها موضوع مطرح شده به بخش‌هایی تقسیم شده و هریک از اجزا بین دانش‌آموزان گروه تقسیم می‌شود. پس از گردآوری اطلاعات توسط دانش‌آموزان هر گروه، باتوجه به مطالب محوله با دانش‌آموزان گروه‌های دیگر، کمیته‌های تخصصی را تشکیل داده و پس از شرکت در این گروه‌ها، دانش‌آموزان به گروه خود برگشته و به آموزش گروه خود می‌پردازد (کیسر، ۲۰۰۰؛ شکاری، ۱۳۹۱). این الگو دقیقاً مانند یک پازل (جورچین) است. در روش جیگساو نیز مشارکت هر یک از دانش‌آموزان مانند هر تکه پازل برای تکمیل کردن و فهمیدن کامل ماحصل و نتیجه نهایی ضروری است. اگر نقش هر دانش‌آموز بنیادی باشد پس وجود هر دانش‌آموز نیز ضروری است و این دقیقاً همان چیزی است که سبب مؤثر واقع شدن این راهبرد شده است (امانی ساری بگلو و همکاران، ۱۳۹۷). ویژگی‌های منحصر به فرد این روش یعنی داشتن اهداف گروهی، احساس مسئولیت فردی، پاداش گروهی، و ایجاد فرصت‌های مساوی برای موفقیت، موجب می‌شود فراگیران به اندازه‌ای در مقابل پیشرفت یکدیگر احساس مسئولیت کنند که گویی برای پیشرفت خود تلاش می‌کنند (بارکلی و همکاران، ۲۰۰۵).

– **جیگ ساو یا تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (JIGSAW):** در این روش دانش‌آموزان برای کار روی موضوع درسی که به بخش‌های مختلف تقسیم شده است، تیم‌های شش نفره تشکیل می‌دهند. هر یک از اعضا به مطالعه بخش ویژه خود می‌پردازد. سپس اعضای تیم‌های مختلف که بخش‌های مشترک را مطالعه کرده‌اند، به منظور بحث و بررسی پیرامون مطالب مذکور، یک گروه تخصصی تشکیل می‌دهند. پس از آن، هر یک به تیم خود باز می‌گردند و به منظور آموزش بخش خود به اعضای دیگر تیم در نوبت قرار می‌گیرند.

– **گروه‌های پیشرفت تیمی دانش‌آموزان (STAD):** در این گروه‌ها دانش‌آموزان از لحاظ جنسیت، نژاد، زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی و تجربیات قبلی متفاوتند. معلم ابتدا درس را ارائه می‌کند. سپس دانش‌آموزان در گروه‌ها به بررسی و مطالعه پیرامون موضوع می‌پردازند و در پایان دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت می‌کنند. آنگاه نمره‌های آزمون دانش‌آموزان با میانگین نمره‌های گذشته آن‌ها مقایسه و نمره نهایی براساس پیشرفت نسبت به عملکردهای گذشته



آن‌ها تعیین می‌شود. سرانجام نمره‌های فوق جمع‌بندی شده، نمره نهایی گروه را تشکیل می‌دهد. گروه‌هایی که تا سطح معیارهای پیشرفت تعیین‌شده ارتقا یابند، به دریافت پاداش یا گواهینامه و غیره نایل می‌شوند. همه فرایند فوق، از زمان ارائه درس توسط معلم تا کارهای گروهی و شرکت در آزمون، معمولاً در سه تا پنج جلسه درس انجام می‌شود.

**-باهم آموختن (LT):** در این روش دانش‌آموزان در گروه‌های ناهمگن ۴ تا ۵ نفره، مشغول انجام تکالیف خود می‌شوند. نتایج کار گروهی روی یک برگه منعکس می‌شود و مبنای دریافت نمره یا پاداش گروهی، همین کار مشترک است. دیوید و راجرز جانسون معتقدند که فعالیت‌های درون گروهی مشترک و تشکیل جلسه‌های مباحثه منظم درباره چگونگی بهتر انجام دادن یک کار گروهی، محور اصلی موفقیت در این روش یادگیری مشارکتی است (اسلاوین، ۱۹۹۱، ترجمه فقیهی، ۱۳۷۱).

## ۶. انواع رویکردهای یاددهی-یادگیری

در نظام‌های آموزشی موجود سه رویکرد یاددهی-یادگیری وجود دارد. یکی از سه رویکرد، رویکرد رقابتی است که دانش‌آموزان تلاش می‌کنند تا در بین سایر دانش‌آموزان برنده باشند. در این رویکرد این نگرش در بین دانش‌آموزان حاکم است که اگر تو برنده باشی، پس من بازنده‌ام و اگر من برنده باشم، تو یا دیگران بازنده‌اید. این رویکرد با فضایی که ایجاد می‌کند، می‌تواند منشا ترس و اضطراب و سرخوردگی در بین دانش‌آموزان شود. حتی آن‌هایی که برنده‌اند، ترس از دست دادن موقعیت را دارند (قلتش، ۱۳۸۳)؛ به اعتقاد صاحب نظران رقابت در بین شاگردان روحیه‌ی همکاری و روابط عاطفی آنان را تضعیف می‌کند (کرامتی، ۱۳۹۶) رویکرد دیگر رویکرد یادگیری انفرادی است. در این رویکرد دانش‌آموزان به صورت فردی تلاش می‌کنند و پیشرفت یا شکست آن‌ها به خودشان مربوط است و در جمع معنا پیدا نمی‌کند. در این رویکرد نیز خستگی و نبود تنوع، کاهش انگیزه، انزوا و گوشه‌گیری می‌تواند ارمغان فرایند آموزش و یادگیری باشد. رویکرد سومی که مطرح است، یادگیری مشارکتی است که در آن دانش‌آموزان در قالب گروه‌های کوچک به یادگیری می‌پردازند. در این رویکرد نتایج صدها مطالعه و پژوهش حاکی از این است که، گروه‌هایی که در موقعیت‌های مشارکتی قرار گرفته‌اند نه تنها نگرش‌های مثبت تری را داشته‌اند بلکه یادگیری مؤثرتر و عملکردهای بهتری را در مقایسه با اعضای گروه‌هایی که در موقعیت‌های رقابتی و انفرادی قرار داشته‌اند از خود نشان داده‌اند (قلتش، ۱۳۸۳). با این که در بیشتر محافل علمی و اجرایی صحبت از فعال بودن شاگرد می‌شود اما روش‌های سنتی (به ویژه سخنرانی) هم‌چنان بر نظام آموزشی سایه انداخته و موجب گردیده شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درس، کمتر با موقعیت‌های چالش‌آور مواجه شوند، فرصت‌های کمتری برای تعامل، هم‌فکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگرد و شاگردان با یکدیگر فراهم شود، رقابت جایگزین همکاری گردد و احتمال خطر جمع‌گریزی و گوشه‌گیری در بین شاگردان افزایش یابد (کرامتی، ۱۳۷۶). در حال حاضر اغلب نظام‌های آموزشی در دنیا مبتنی بر رویکرد رقابتی و انفرادی هستند (کرامتی، ۱۳۹۶)؛ این در حالی است که پژوهش‌ها نشان داده دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال می‌آموزند ضمن این که از یادگیری لذت می‌برند، مهارت‌های اجتماعی‌شان نیز تقویت می‌شود.

## ۷. روش تدریس نوین

الگوی تدریس به شیوه‌نوین و فعال مهم‌ترین الگو از میان ساختارهای آموزش گروهی است. روش‌های فعال تدریس به گونه‌ای هستند که ذهن انسان در آن فعال است و معلم شرایط یادگیری را فراهم و مهارت‌های ذهنی و قابلیت‌های تفکر را تقویت می‌نماید. روابط میان گروهی و همکاری تقویت شده، حس اعتماد به نفس فردی، روحیه کاوشگری، مفهوم سازی، توضیح و تحلیل مسئله در دانش‌آموز رشد کرده و به ردیابی موضوع و تحمل ابهام رهنمون می‌شود و روح خلاقیت و استقلال فرد در وی تقویت می‌شود. در روش فعال، هدف یادگیری است؛ به طوری که دانش‌آموز به یادگیرنده‌ای مادام‌العمر تبدیل می‌شود. در این روش، هدف‌های آموزش شامل موارد زیر است:

الف) دانستنی های ضروری (دانش پایه) که شامل چهار قسمت اساسی علوم فیزیکی، علوم زمین، علوم زیست و علوم بهداشت است.

ب) کسب مهارت های ضروری، هم چون: مشاهده، اندازه گیری، پیش بینی، استنباط، برقراری ارتباط، ... و طراحی تحقیق. با فراگیری این مهارت ها، دانش آموز می تواند بر دانش پایه ی خود بیفزاید و مشکلات خود را حل کند.

پ) کسب نگرش هایی چون کنجکاوی، میل به یادگیری، کار دسته جمعی، حفظ محیط زیست و غیره؛ به عبارت دیگر، هدف اساسی این روش، تربیت انسانی علاقه مند به زندگی و حافظ محیط زیست است. بدین طریق، انسانی توانا و مسئول در حل مسائل زندگی خود و مسائل جامعه تربیت می شود. او می تواند طبیعت خود را مشاهده کند، نکته ها را از طبیعت دریافت کند و حافظ روش های متعالی انسانی باشد. تدریس به شیوه نوین، مسئولیت مشترک، تعامل و احساسات مثبت تر نسبت به تکالیف و افراد دیگر ایجاد می کند، روابط بهتر میان گروهی به وجود می آورد و منجر به تصویر بهتری از خویشتن برای دانش آموزانی با پیشینه پیشرفت تحصیلی ضعیف می شود (جوین و دیگران، ترجمه بهرنکی، ۱۳۸۴). بسیاری از طراحان و مسئولان برنامه ریزی در آموزش و پرورش از شیوه های رایج تدریس راضی نیستند. و بدین سبب از نوآوری و نوگرایی در این زمینه، استقبال می کنند. کارائی روش های نظیر: سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش آموز و به یاد سپاری و تأکید بر محفوظات که شالوده روش های سنتی تدریس است، مدت ها است مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است.

## ۸. مراحل اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی

مرحله اول: بیان هدف

در مرحله اول تلاش می کنیم هدف درس را به روشنی و در نهایت سادگی به دانش آموزان بیان کنیم.

مرحله دوم: شرح فعالیت

در مرحله دوم، فعالیت مورد نظر برای آموزش مفاهیم را شرح می دهیم. لازم است در شرح فعالیت، روش اجرا و دستورالعمل مورد نیاز و نحوه انتخاب افراد و وسایل لازم و مناسب برای کمک به غنی سازی فعالیت مشخص شود.

مرحله سوم: اجرای فعالیت

مرحله سوم، عملی ترین بخش اجرای روش تدریس مبتنی بر یادگیری مشارکتی است. در این مرحله همه دانش آموزان نقش فعالی در یادگیری دارند و معلم هم نقش راهنمای فعالیت ها را عمل می کند، همچنین انواع وسایل کمک آموزشی فراهم شده هم در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

علی رغم مزایای ثبت شده یادگیری مشارکتی، اجرای این عمل آموزشی در کلاس یا در حقیقت هر کدام از برنامه های ساختمند، چالشی است که اساتید زیادی دستیابی به آن را سخت می بینند (کرامتی، ۱۳۸۶). این دشواری ها به این دلیل رخ می دهد که اساتید از راه های ایجاد گروه های مشارکتی مؤثر، دیدگاه های تحقیقی و نظری که این رویکرد را تحت تأثیر قرار داده اند و راه هایی که آن ها می توانند این اطلاعات را در کلاس های عملی به کار برند، فهم دقیقی ندارند. بی میلی اساتید به یادگیری مشارکتی هم چنین ممکن است به دلیل نداشتن زمان برای آشنایی با رویکردهایی به واسطه همسازمانی کلاس قرار می دهد، یا تعهدات حرف های که برای نگه داشتن تلاش هایشان مورد نیاز است، باشد (مکلف سربند، ۱۳۸۶؛ به نقل از رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱). هر جامعه ای همواره در تلاش هستند تا کودکان خود را طوری تربیت نمایند که در جهت احقاق حق خود، بتوانند فعالانه عمل کرده و بدون آسیب زدن به دیگران، از حقوق خود دفاع نمایند. در واقع، این ویژگی با عنوان جرأت ورزی در کودکان شناخته شده است. جرأت ورزی، یعنی دفاع از حقوق خود و بیان افکار و احساسات خویش که به شیوه مستقیم، صادقانه و مناسب انجام شود. افراد جرأت ورز برای خود و دیگران احترام قائل هستند. آنان منفعل نیستند و ضمن این که به خواسته ها و نیازهای دیگران احترام می گذارند، اجازه نمی دهند دیگران از آن ها سوء استفاده کنند و به شیوه قاهرانه با آنان ارتباط برقرار کنند. اما آن چه در عمل اتفاق می افتد، رشد معیوب این



ویژگی در برخی کودکان است. خودمحوری کودک، بی توجهی به نیازها و احساسات دیگران، ورود به حریم دیگران و متوسل شدن به راه های پرخاشگرانه جهت احقاق حقوق خود، موجب شکل گیری جرأت ورزی های نامناسب در آنها می شود. کودکان با دانش لازم جهت برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، زاییده نشده اند و توجه به خواسته های دیگران در عین توجه به خواسته های خود، از مضامین ظریف اجتماعی است که می بایست در طی سال های ابتدایی رشد و در حین شرایط واقعی زندگی که سرشار از تعاملات اجتماعی است، توسعه یابد. تدریس به شیوه مشارکتی، فرصتی مغتنم جهت رشد این ویژگی با ایجاد درکی عمیق در کودکان برای معلمان و نظام آموزشی فراهم ساخته است. در جریان همکاری گروهی، کودک بر نیازها، احساسات و حقوق خود واقف شده و در جریان تعامل با دیگران، متوجه می شود که احقاق حقوق خود، بدون توجه به حقوق دیگران منجر به گسیختگی در گروه و از دست دادن انسجام گروهی شده و کل افراد گروه را تحت تأثیر قرار می دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). روش های آموزشی باید با نیازهای جامعه امروز منطبق باشد و آموزش مهارت های اساسی زندگی جمعی می بایست در خلال جریان آموزش برنامه درسی محقق شود (فریدنبرگ و آلتون؛ به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

#### ۹. مراحل کسب مهارت های اجتماعی

گرشام (۲۰۰۲) در بیان مراحل کسب مهارت های اجتماعی به الگودهی، آماده سازی و تمرین رفتاری اشاره می نماید. استفاده از رویکرد مشارکتی در تدریس می تواند در هر سه گام، نقش مؤثری داشته باشد. ارائه الگوی رفتاری مناسب و تمرین رفتاری جز در خلال تمرین های عملی که دانش آموزان فعالانه در آن به ایفای نقش می پردازند، میسر نیست. درگیر شدن دانش آموزان در فعالیت های کلاس منجر به درک جامع و عمیق ابعاد یک رفتار شده و امکان تمرین و تکرار آن را در محیط واقعی فراهم می سازد. هدف نهایی تمرین رفتاری که در قالب گروه های مشارکتی روی می دهد این است که کودکان نه تنها توانایی انجام دادن یک مهارت را داشته باشند، بلکه بتوانند آن چه را که کسب کرده اند در زندگی واقعی به کار ببرند. در غیر این صورت چگونه می توان به کودکان قوانین زندگی جمعی، رعایت آن قوانین، ارائه وظایف و نقش های گروهی، همکاری گروهی، همدلی و... را آموزش داد، در حالی که هیچ فرصتی جهت فعالیت در گروه و تشکیل، حفظ و توسعه گروه به آنها داده نشود.

#### جدول ۱- مرور مطالعات گذشته

ردیف	نام پژوهشگر، سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۱	محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱)	تأثیر آموزش مبتنی بر رویکرد ساختن گرایی بر یادگیری مشارکتی دانش آموزان در درس علوم و پایداری آن در طول زمان	نتایج پژوهش، بیانگر آن است که میزان یادگیری مشارکتی دانش آموزانی که آموزش بر اساس رویکرد ساختن گرایی را دریافت کرده اند به طور معنی داری بالاتر از میزان یادگیری مشارکتی دانش آموزانی است که این آموزش را دریافت نکرده اند.
۲	طباطبایی و رضوی (۱۳۹۹)	جایگاه و تأثیر روش های تدریس فعال و مشارکتی بر یادگیری مادام العمر دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان ثلاث	نتیجه تحقیق نشان داد که، روش تدریس مشارکتی در یادگیری مادام العمر دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان ثلاث اثربخش بوده است.
۳	کرامتی و خسروی (۱۳۹۷)	نقش یادگیری مشارکتی در یادگیری کودکان بیش فعال	نتیجه نشان داد مزایای یادگیری مشارکتی با ضعف های کنش اجرایی و مهارت های اجتماعی کودکان بیش فعال هم پوشانی دارد.
۴	فقیه آرام و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان مهارت های اجتماعی دانش آموزان رشته علوم انسانی	نتیجه حاکی از آن است که بین یادگیری مشارکتی و یادگیری انفرادی با میزان مهارت های اجتماعی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

## ادامه جدول ۱- مرور مطالعات گذشته

ردیف	نام پژوهشگر، سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۵	گل محمدنژادبهرامی (۱۳۹۷)	مقایسه اثر بخشی یادگیری مشارکتی و سنتی بر مهارت های ارتباطی و خودکارآمدی دانش آموزان به صورت معنی داری متفاوت است.	نتیجه بدست آمده نشان داد اثر بخشی یادگیری مشارکتی و سنتی بر افزایش مهارت های ارتباطی و خودکارآمدی دانش آموزان به صورت معنی داری متفاوت است.
۶	حسینی و همکاران (۱۳۹۵)	اثربخشی تدریس به روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان	نتایج نشان می دهد آموزش به روش مشارکتی بر مهارت های اجتماعی، رفتارهای اجتماعی مناسب و درکاهش جرأت ورزی های نامناسب، رفتارهای تکانشی، رفتارهای حسادت آمیز و رفتارهای گوناگون مؤثر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت یکی از راه های ارتقای رشد اجتماعی دانش آموزان یادگیری مشارکتی است.
۷	عباسی اصل و همکاران (۱۳۹۵)	مقایسه اثربخشی سه روش یادگیری مشارکتی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی	براساس یافته های پژوهش، در مقایسه اثربخشی این سه روش بر مهارت های اجتماعی، تفاوت میانگین های به دست آمده بین گروه های آزمایشی معنادار نیستند؛ ولی در مقایسه میانگین نمره های گروه های آزمایشی با گروه گواه، تفاوت میانگین های گروه های آزمایشی الف (گروه های پیشرفت تیمیدانش آموزان) و ب (جیگساو) با گروه گواه، به ترتیب در سطوح $(P > 0.01)$ و $(P > 0.01)$ معنادارند. این در حالی است که تفاوت میانگین های گروه های آزمایشی ج (باهم آموختن) و گواه در هیچ یک از این سطوح معنادار نیست.
۸	فرناندز-ریو و همکاران (۲۰۲۳)	خود تنظیمی و یادگیری مشارکتی در دانش آموزان دبیرستانی اسپانیایی و پرتهالی	نتایج نشان می دهد که یادگیری مشارکتی با شدت بیشتری در کلاس های آن ها ترویج می شود و دانش آموزان اسپانیایی، خودکارآمدی تحصیلی و یادگیری خودتنظیم تری را نشان دادند.
۹	نموسکه و روکاندو (۲۰۲۲)	کار گروهی: تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر عملکرد تحصیلی زبان انگلیسی در بین دانش آموزان مدارس ابتدایی در کاشاری، اوگاندا	نتیجه بدست آمده نشان می دهد که به عنوان یک روش یادگیری دانش آموز محور، یادگیری مشارکتی می تواند یک استراتژی یادگیری-یادگیری تأثیر گذار برای زبان انگلیسی باشد.
۱۰	سیلوا و همکاران (۲۰۲۱)	مشارکت یادگیری مشارکتی در یادگیری اجتماعی دانش آموزان و نقش فعال در کلاس	نتایج نشان می دهد که CL یک مدل پیچیده است که به زمان نیاز دارد تا به طور مؤثر اجرا شود و به دانش آموزان امکان می دهد از پتانسیل آن استفاده کنند. توسعه روابط مشارکتی به دانش آموزان اجازه می دهد تا مسئولیت بیشتری در درس ها بر عهده بگیرند. معلمان مبتدی باید تشویق شوند که CL را بپذیرند و به تدریج ارتقاء دهند.
۱۱	لوپز-ماندجار (۲۰۱۷)	توسعه مهارت های هیجانی-اجتماعی از طریق یادگیری مشارکتی در محیط دانشگاه	نتایج نشان داد که از طریق یادگیری مشارکتی همدلی و اعتماد به نفس بیشتر در میان اعضای گروه یافت می شود. همچنین در پذیرش دیدگاه های مخالف خود دارای انسجام بیشتری هستند و می توان نتیجه گرفت که رابطه مثبتی بین استفاده از روش مشارکتی و بهبود مهارت های اجتماعی وجود دارد.
۱۲	ریبرا و همکاران (۲۰۱۲)	بررسی اثرگذاری آموزش به روش مشارکتی بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی	نتایج حاکی از اینست که استفاده از روش های یادگیری مشارکتی، موجب افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی و بهبود بروندهای نظام آموزشی می شود. ضمن این که استفاده از روش های مشارکتی در تدریس بر حسب جنسیت معلم، اندازه کلاس و زمان صرف شده برای تدریس در میان معلمان مختلف، متفاوت است.

۱۳	فریدنبرگ و اندون (۲۰۱۱)	یادگیری برای مهارت های قرن ۲۱	به این نتایج رسیدند که روش های آموزشی باید با نیازهای جامعه امروز منطبق باشد و آموزش مهارت های اساسی زندگی جمعی می بایست در خلال جریان آموزش برنامه درسی محقق شود.
----	----------------------------	-------------------------------	--

به اعتقاد جانسون و همکاران (۲۰۰۰) یادگیری چیزی است که شاگردان انجام می دهند، نه چیزی که برای شاگردان انجام می شود. بنابراین یادگیری مشارکتی مستلزم مشارکت فعال و مستقیم دانش آموزان است. همانند کوهنوردان، دانش آموزان زمانی به قله می رسند که جزیی از تیم مشارکتی باشند. در این محیط دانش آموزان از طریق همکاری و مشارکت و در قالب گروه ها به یادگیری می رسند و در قبال یادگیری دیگران احساس مسئولیت می نمایند. زمانی که همکلاسانشان نیاز به کمک داشته باشند، به کمک آن ها می شتابند و موفقیت دیگران موفقیت آن ها و شکست دیگران شکست آن ها محسوب می شود. این رویکرد موجب یادگیری عمیق تر و خلاقیت و نوآوری بیشتر شاگردان می شود. شعار یک کلاس همیاری این است:

"یا همه نجات می یابیم، یا همه غرق می شویم" در کلاس همیاری دانش آموزان به جای این که معلم را محور اصلی بدانند، به همکلاسی های خود به عنوان مرجع با ارزش و مهم نگاه می کنند (طباطبایی و رضوی، ۱۳۹۹).

با استفاده از پژوهش های ذکر شده و مرور سیستماتیک تحقیقات مرتبط، ضرورت یادگیری مشارکتی و آموزش این روش با توجه به نیازهای جامعه و در خلال جریان آموزشی می با ست محقق شود. علیرغم این که استفاده از روش های مشارکتی در تدریس بر حسب جنسیت معلم، اندازه کلاس، محیط آموزشی و زمان صرف شده برای تدریس در میان معلمان متفاوت است، ولی استفاده از یادگیری مشارکتی منجر به رشد مهارت های اجتماعی، پذیرش دیدگاه های مختلف در گروه، اعتماد به نفس بیشتر در میان اعضای گروه می شود.

#### ۱۰. بحث و نتیجه گیری

از آن جا که هدف پژوهش حاضر، تأثیر یادگیری مشارکتی بر بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان می باشد، طی مطالعات سیستماتیک از تحقیقات گذشته و بررسی مقالات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع به این نتایج می رسیم که، یکی از جنبه های وجودی و شخصیت انسان، رشد اجتماعی است؛ چرا که شخص بدون این رشد و داشتن مهارت های آن نمی تواند به درستی با اطرافیان خود به تعامل بپردازد. در پژوهش های داخلی و خارجی، مطالعه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱)، طباطبایی و رضوی (۱۳۹۹)، کرامتی و خسروی (۱۳۹۷)، فقیه آرام و همکاران (۱۳۹۷)، گل محمدنژاد بهرامی (۱۳۹۷)، حسینی و همکاران (۱۳۹۵)، عباسی اصل و همکاران (۱۳۹۵)، لویز-ماندجار (۲۰۱۷)، ریبوا و همکاران (۲۰۱۲)، فریدنبرگ و اندون (۲۰۱۱)، همسومی باشد و همگی معتقدند یادگیری مشارکتی موجب بهبود مهارت های اجتماعی می شود. براساس پژوهش های ذکر شده، یکی از راه های رشد اجتماعی دانش آموزان یادگیری مشارکتی می باشد. با توجه به پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۹۵)، از میان سه روش یادگیری مشارکتی، روش (گروه های پیشرفت تیمی دانش آموزان) و (جیگساو) بر مهارت اجتماعی مؤثر بودند، اما در روش تأثیر یادگیری مشارکتی از طریق (باهم آموختن) بر مهارت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. و با نتایج پژوهش های ذکر شده همسو نمی باشد. شایان ذکر است که تنها با قراردادن دانش آموزان در گروه ها و یاد دادن مهارت های اجتماعی شرایط کافی برای استفاده از آن ها مهیا نمی شود. لذا معلم باید شرایط را به گونه ای فراهم کند که دانش آموزان انگیزه کافی برای استفاده از مهارت های اجتماعی پیدا کنند. برای هماهنگ کردن کوشش ها و به دست آوردن اهداف مشترک، دانش آموزان باید، شناخت و اعتماد به همدیگر را یاد بگیرند و به طور صحیح و بدون ابهام با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بسیاری از ما کلاس های درس یک طرفه را تجربه کرده ایم، کلاس هایی که در آن معلم در نقش یک سخنران قرار می گیرد و مبحث خاصی را برای دانش آموزان توضیح می دهد، در این روش هر چند معلم تلاش زیادی می کند تا همه چیز را برای دانش آموزان توضیح دهد، اما در بسیاری از اوقات بچه ها درس را حفظ می کنند و قدرت حل مسئله کافی را ندارند. برای این که فرایند یادگیری مشارکتی به خوبی انجام شود، معلم یا

مسئول کلاس باید چندین مهارت را در خود پرورش دهد، هدف گذاری صحیح و اصولی و مهارت رهبری از جمله ای موارد هستند؛ برای این که دانش آموزان بتوانند بهترین نتیجه را از کار گروهی خود بگیرند، باید اهداف شان را به گونه ای انتخاب کنند که همه ی اعضای گروه بتوانند به آن هدف دست پیدا کنند، اهداف واقع گرایانه نه خیلی سخت و دور از دسترس هستند و نه به سادگی به دست می آیند، بلکه اهدافی هستند که با تلاشی معقول دانش آموزان می توانند به آن برسند. در گروه های تیمی و مشارکتی، افراد گروه از طریق تعامل و همکاری باهم بهتر می آموزند و دریادگیری یکدیگر سهیم می شوند. از آن جا که سبک غالب در اکثر آموزش های کلاس سنتی است به این معنا که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موفقیت چالش آور مواجه می شوند، فرصت های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان با یکدیگر فراهم می شود، دانش آموز در کلاس های درس شنونده محض معلم است. معلم محور بودن باعث می شود مشارکت اندکی در امر آموزش باشد. طراحی دقیق برنامه، بیان هدف های آموزشی قبل از آموزش، ارائه مطالب با گام های مشخص از معایب یادگیری به روش سنتی می باشد. علی رغم معایب ذکر شده، در یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش سنتی، دانش آموزان می توانند مفاهیم پیچیده را از طریق یادگیری مشارکتی به سادگی یاد بگیرند. در کلاس حس همکاری بیشتری داشته باشند، از طریق بحث و گفتگوهای سازنده و رو در رو، مشارکت خلاقانه تری داشته باشند. دانش آموزان از طریق یادگیری فعال بهتر یاد می گیرند، از یادگیری لذت بیشتری می برند، باعث افزایش پیشرفت تحصیلی، شور و نشاط در کلاس درس، کاهش غیبت، افزایش باور دانش آموزان، یادگیری مهارت های اجتماعی می شود و آن ها را اجتماعی می کند و آن ها نقش فعالی در فرایند یادگیری دارند. مهارت های اجتماعی ابزاری است که افراد را قادر می سازد تا ارتباط برقرار کنند، یاد بگیرند، کمک بخواهند، نیازها را از راه های مناسب برآورده کنند، با دیگران کنار بیایند، دوست شوند، روابط سالم برقرار کنند، از خود محافظت کنند و به طور کلی قادر به تعامل هماهنگ با جامعه باشند. شیوه های فعال یادگیری مشارکتی، یادگیری را آسان می کند. دانش آموزان در یادگیری مشارکتی، با تعامل و همکاری در گروه، دانسته های خود را در اختیار همدیگر قرار می دهند، تا خودشان هم از یاری دیگران بهره مند شوند. آن ها از طریق بهره جویی از مهارت های اجتماعی، مهارت اندیشیدن و مهارت ارتباط را می آموزند. از طریق رابطه با یکدیگر جامعه پذیرتر می شوند. دانش آموزان در روش های یادگیری مشارکتی در گروه هایی که از افرادی شبیه به خود تشکیل شده است می توانند الگوهای مناسبی جهت الگوبرداری رفتارهای تحصیلی و همچنین اجتماعی و اخلاقی آن ها بیابند. به عبارت دیگر، یادگیری شیوه های تعامل، گفتگو با همسالان نیز بخشی از پیامدهای مثبت این روش است. از این راه دانش آموزان می توانند به اظهار نظر در مورد اندیشه های خود بپردازند، از آن ها دفاع کنند و تحمل شنیدن و قبول نظرات دیگران را نیز کسب کنند. یادگیری مشارکتی منجر به بهبود مهارت در توجه به دیدگاه های دیگران می شود و روابط بین گروه های مختلف را در کلاس درس بهتر می سازد، موجب پذیرش و درک دانش آموزان ضعیف می شود. اعضای گروه می توانند با مشارکت در تکمیل تکالیف گروه و کمک به اعضای ضعیف تر به مشوق های اجتماعی که برای دانش آموزان، به مراتب قوی تر از مشوق های مادی است، دست یابند. همچنین آن ها به سبب این که حضورشان در گروه از نظر اعضا موجه باشد، بایستی به همکاری با گروه برای رسیدن به اهداف آموزشی بپردازند. علی رغم مزایای بسیاری که در رابطه با تأثیر یادگیری مشارکتی ذکر شده، اجرای این روش یادگیری در کلاس چالشی است که دغدغه بیشتر معلمان می باشد، و معلمان فهم دقیقی از چگونگی اجرای این روش با توجه به زمان بردن آن، و راه هایی که می توانند این روش را در کلاس عملی کنند، ندارند. با توجه به حاکمیت استفاده از شیوه های تدریس سنتی در نظام آموزشی ایران و ضرورت رشد مهارت های اجتماعی در دانش آموزان، لزوم یادگیری مشارکتی در مراکز آموزشی بیشتر احساس می شود. لذا با انجام این مهم پیشنهاد می شود با برگزاری دوره های آموزشی، به معلمان و دانش آموزان در راستای تحقق این مهم یاری شود.

## منابع

۱. ابراهیمی مقدم، ندا؛ درانی، کمال. (۱۳۹۷). تحلیل تلئولوژیک مهارت های اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره شانزدهم - شماره ۲ (ب/ISC)، ص ۲۸۳ - ۳۰۴.
۲. اسلاوین، رابرت. (۱۹۹۱). جمع بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی. ترجمه فاطمه فقیهی قزوینی. (۱۳۷۱). فصل نامه تعلیم و تربیت، پیاپی ۳۰، ص ۱۲۹-۱۱۴.
۳. امانی ساری بگلو، جواد؛ بابایی سنگلجی، محسن؛ ادیب، یوسف؛ فتحی آذر، اسکندر. (۱۳۹۷). تجارب انگیزی و اجتماعی دانش آموزان از روش یادگیری مشارکتی جیگساو: یک مطالعه کیفی. فصلنامه سلامت روان کودک - دوره پنجم، شماره ۱.
۴. بروس جویس، مارشاول، امیلی کالهن. (۱۳۸۴). الگوهای تدریس ۲۰۰۴، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: انتشارات کمال تربیت.
۵. حسینی، سیده اعظم؛ پویا منش، جعفر؛ جعفری، علیرضا. (۱۳۹۵). اثربخشی تدریس به روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان. نشریه علوم رفتاری (ابهرا)، شماره ۳۰.
۶. رحیمی، فاطمه؛ قاسمی، فاطمه؛ رهگذر، حسن. (۱۴۰۱). تحت عنوان مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی و روش یادگیری سنتی (سخنرانی) بر مهارت های ارتباطی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. فصلنامه علمی-پژوهشی توسعه آموزش جندی شاپور، سال سیزدهم، شماره ۱.
۷. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۲). مجله ی تربیت، شماره ۸۱.
۸. شکاری، عباس. (۱۳۹۱). تاثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان. فصلنامه راهبردهای آموزش، ۲ (۱).
۹. طباطبایی، مینو؛ رضوی، فرید. (۱۳۹۹). جایگاه و تأثیر روش های تدریس فعال و مشارکتی بر یادگیری مادام العمر دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر استان ثلاث. روان شناسی: نشریه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، شماره ۲، ص ۸۰-۹۱.
۱۰. عباسی اصل، رویا؛ سعدی پور، اسماعیل. اسدزاده، حسن. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی سه روش یادگیری مشارکتی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی. رویکرد های نوین آموزشی، سال یازدهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۲.
۱۱. فقیه آرام، بتول؛ فتحی، رضا؛ ضرغام، محسن. (۱۳۹۷). بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان مهارت های اجتماعی دانش آموزان رشته علوم انسانی. نشریه تدریس پژوهی، شماره ۱۳ (الف/ISC)، ص ۱۷۳-۱۸۸.
۱۲. قلتاش، عباس. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر کرهای در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
۱۳. کرامتی، محمدرضا. (۱۳۷۶). هنر معلمی، نشر نرتدیز.
۱۴. کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۳۷ (۲)، ص ۳۹-۵۵.
۱۵. کرامتی، محمدرضا. (۱۳۹۶). یادگیری مشارکتی با رویکرد فراشناختی و سازنده گرایی، انتشارات زندگی شاد.

۱۶. کرامتی، محمدرضا؛ خسروی، سارا. (۱۳۹۷). نقش یادگیری مشارکتی در یادگیری کودکان بیش فعال. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

۱۷. گل محمدنژاد بهرامی، غلامرضا. (۱۳۹۷). مقایسه اثر بخشی یادگیری مشارکتی و سنتی بر مهارت‌های ارتباطی و خودکارآمدی دانش آموزان دختر دوم متوسطه. نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال یازدهم - شماره ۴۱، ص ۳۹-۵۸.

۱۸. محمدزاده، منیره؛ صفرنواده، مریم؛ احقر، قدسی. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش مبتنی بر رویکرد ساختن‌گرایی بر یادگیری مشارکتی دانش آموزان در درس علوم و پایداری آن در طول زمان. نشریه راهبردهای آموزش در علوم پز شکی (راهبردهای آموزشی)، دوره پانزدهم-شماره ۱ (ISC)، ص ۸۰-۹۰.

1. Barkley, E.F., Cross, K.P., & Major, C.H. (2005). Collaborative learning techniques: A Handbook for college faculty. New York; Jossy-Bass.

2. Elliott, S. and Gersham, M. (2005). Social skills intervention for children, Behavior modification, ۱۷(۳): ۲۸۷-۳۱۳.

3. Fathiazar, E., Beyrami, M., Vahedi, S., & Abdollahi, V. (2015). Comparison of the effect of teaching with analogy and cooperative learning in interaction with learning styles on learning outcomes and attitude towards science. Journal of Modern Psychological Researches, 9(33), 143-169 [in Persian].

4. Fernandez, R.; Antonio, C.J.; Pinto, I.J.; Silva, H. (2023). self-regulation and cooperative learning in Secondary Education Spanish and Portuguese students. Educacion XX1 26(1):117-139. DOI:10.5944/educxx1.33339.

۵. Gresham, F.M. (۲۰۰۲). Best practices in social skills training. In A. Thomas & J. Grimes (Eds). Best practices in school psychology (pp. 1029-1040). Bethesda, MD: National Association of school psychologists.

6. Henry, Mary. (2005). Cooperative learning and case study: does the combination improve students perception of problem-solving and decision making skills? Journal of Nurse Education Today, 25(2), pp: 238-246.

۷. Johnson, D.; Johnson, R. and Stanne, M. (۲۰۰۰). Cooperative Learning Methods: A meta-analysis. University of Minnesota, Minneapolis: Cooperative Learning Center.

8. Jafari Sani, H., Hejazi, Z., Vaghari Zamharir, Z. (2016). The study of the effect of group teaching method on social skills development of students. Cognitive Learning Strategies in Learning, 4(7): 23-41. [In Persian]

9. Kadivar, p. (1997). Learning Psychology. Tehran: Samt.

10. Keyser, W. Marcia. (2000). Active learning and cooperative learning: Understanding the difference and using both styles effectively. Research Strategies, 17, 35-44.

۱۱. Loannis, A. and Efrosini, K. (۲۰۰۸). Nonverbal social interaction skills of children with learning disabilities, Research in developmental disabilities, 29: 1۱۰.



12. López-Mondéjar, L. M. and Pastor, L. M. T. (2017). Development of Socio-emotional Skills through Cooperative Learning in a University Environment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 237: 432-437.
13. Matson, J.L.; Fee, V.E; Coe, D.A. and Smith, D. (2000). A social skills program for developmentally delayed preschoolers, *Journal of Clinical Child Psychology*, .428-433 :(4)20.
14. Mokalaf Sarband, Khalil. Investigating the effect of collaborative learning (Jig Sao type) on the development of social skills and academic achievement in the first grade of high schools in Ardabil in the academic year of 2006-2007. Master Thesis in Curriculum Planning. Faculty of Psychology and Educational Sciences [In Persian].
15. Namusoke,E;Rokundo,A.(2023). Group work: effect of cooperative learning method on academic performance in English language among pupils in Universal Primary Education schools in Kashari, Uganda.Cognet Education, <https://doi.org/10.1080/2331186X.2022.2147774>.
16. Ribera, T., Ribera, allison brckalorenz,a.k. ., & Nelson laird,t. (2012). Faculty fostering collaborative learning and personal and social responsibility, Ph.D thesis of Indiana University (Faculty Survey of Student Engagement).
17. Saif A.(2013). [EducationalPsychology: Psychology of Leaning and Instruction] Tehran, Iran. : Agah Publisher; Persian.
18. Seif, A. (2014). New Educational psychology (Learning and Educational Psychology). Fifth edition, Tehran; Doran Issue [In Persian].
- 19.Silva,R;Farias,C;Isabel,M. (2021). Cooperative Learning Contribution to Student Social Learning and Active Role in the Class.ResearchGate. *Sustainability* 13(15):8644, DOI:10.3390/su13158644.
20. Sepehrianazar F.(2016). The Effect of Jigsaw Cooperative Learning Method on Students' basic Psy-chological needs. *Research in School and Virtual Learning*. 4(13):21-30. [Link]
21. Srinivas H. (2010). Collaborative Learning. [internet] [cited 2010 Dec 3]; Available from: <http://www.gdrc.org/kmgmt/c-learn/index.html>
- 22.Stuart, G.W. (2014). Principles and practice of psychiatric nursing, Elsevier Health Sciences, ISBN: 9780323091145.